

بدانك ان اروى زهرنا آخر اوجه تشبيه مقلوب بليغ است تشبيه مقلوب بليغ است تشبيه
 كند شى را شى و بعد از ان تشبيه را قلب كند يعنى مشبه را مشبه به كرد اند و مشبه به را مشبه
 بواسطه جمله جوارى تشبيه و بعد از ان آه تشبيه را حذف كند بواسطه تخفيف و در ان اروى
 زهرى پيچيدگى كرده اند كه تشبيه كرده اند جمله را با اروى و اهرى جبر كند ان جمله به كاروى
 زهرى و مقهر است كه وجه تشبيه در مشبه اضعف است نسبت به مشبه به و مدعى ان شده اند كه
 وجه تشبيه در مشبه جمله است اقوى است نسبت به مشبه به و بواسطه ان تشبيه را قلب كند
 مشبه را مشبه به كرد ايد و مشبه به را مشبه و گفته كه ان اروى زهرى كجده و بعد از ان
 دعوى نهاد كرده ميان مشبه و مشبه به و بواسطه تخفيف ادا تشبيه را حذف كرده و
 گفته كه ان اروى زهرى جمله الله تعالى چون فاعل شدم از بيان استعارات شروع كردم
 در استعارات كه حضرت مولانا سعد الدين تهماني در خطبه شرح زبى خان آورده است
 قوله فى رياض الكلام استعاره ميكند است زيرا كه تشبيه كرده است كلام را بجنه و جنه
 را كه مشبه به است ترك كرده و ذكر ملام و عباس و لوازم مشبه به را كه زهر و كرم
 و رياض است بر اى مشبه كه كلام است اثبات كرده و اثبات جرم جنه بر اى كلام استعاره
 تخيلية

تخيلية است اروى زهرى تنويزه كه استعاره تبعه با شى جرم كه استعاره كرده باشد
 روى را بر اى طراوت زهرى بواسطه جذب ما و اين استعاره اصلي محسوس و بعد از ان
 اروى را كه ان ششمانست از روى اشتقاق كرده و اروى زهرى گفته و بايغ استعاره
 اصلي ساخته و متبوا نده كه استعاره كرده باشند جمله را بر اى زهر ان جنه حسن و هما
 بعد از ان جمله را كه مشبه است ترك كرده و مشبه به را آورده كه زهر است و اثبات
 كرده بر اى زهر جنه بلكه از خواص مشبه با شى كه كلام است و ذكر رياض كه ملام مشبه
 به است بر اى مشبه به ترشح است و اهرى جرم استعاره مصرحه است زيرا كه استعاره
 كرده است جرم را كه جمع جرمه است و جرمه بر دى معانى راى كلام فصيح از جنه مقبول
 طبع و بعد از ان ترك كلام كرده كه مشبه است و ملام مشبه را كه بيان است جرم
 اثبات كرده و اثبات بيان و اسان و اقدام بر اى جرم از خبر ترشح است پس جمع
 نمى برد و ترشح با شى از تماثل استعاره ميكند است زيرا كه تشبيه كرده است ملام
 را با اهل ان جنه و وسيله تحصيل مطالب و جوامع و اثبات لزوم كه از خواص اهل مشبه
 است بر اى ملام تخيلية عمرة احواله ايضا استعاره به لايكابه است زيرا كه تشبيه
 كرده است احوال را با اسب بيشماى سهند جنه صانه جرمه را بى اثنان عمرة كرم
 خواص و پس است بر اى احوال تخيل و ذكر رياض را استعاره تبعه و اوردق اعتدال اهرى
 استعاره با كجابه و تبعه و تخيلية است چه تشبيه كرده اند اما ان را با اثنان از جنه كرم
 شعب و فرع و بعد از ان ترك اثنان كرده و خاصه اثنان را كه اعضا است بر اى
 اهل ان اثبات كرده پس ذكر اهل ميكند است و اثبات اعضا بر اى اهل تخيلية است
 و اوردق كه مشق از ورف است استعاره تبعه قوله عن وجه المعانى فبانه استعاره
 ميكند است تشبيه كرده اند معانى بر ان خور و روى بعد از ان ذكر معانى كرده و ترك
 حسان و جوده كرده و اثبات وجه و ثبات بر اى معانى تخيلية قوله اول ما افترقت
 استعاره نصريجه و اصل كرم و تبعه است زيرا كه تشبيه كرده است ترتيب اجزاء نوح
 را با فراعنه در بونه و بعد از ان ترتيب را ترك كرده و فراعنه را كه مشبه به
 است ذكر كرده و اين استعاره اصلي شده و ذكرى قالب الترتيب ترشح و چون
 بلفظ افترقت كه فعل است تبعه قوله اول ما افترقت استعاره نصريجه اعتبار

زير اهرى و جوارى را
 بليغى اهرى و جوارى
 بنسبت ميكند
 و زير اهرى و جوارى

